هواللّه

ای دوستان راستان صبحست و دلبر امر اللّه در نهایت صباحت و ملاحت جلوه بآفاق نموده و بنور اشراق رواق اطباق را روشن کرده و مانند مه تابان ایوان کیوان را زینت بخشیده بشر و شجر و مدر و حجر را بحرکت آورده نداء یابهآءالأبهاست که از ملأ اعلی بلند است و ترانهٴ سبّوح قدّوس ربّ الملائکة و الرّوحست که گوش‌زد هر هوشمند

ولوله در شهر نیست جز شکن زلف یار

فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست

عالم امکان در جوشش است و امیر لامکان در بذل و بخشش نفحات قدس در مرور است و افواج عون و عنایت ربّ غفور در صدور و عبور نسیم رخیم جنّت ابهاست که شرق و غرب را معطّر نموده و نور مبین افق اعلی است که خاور و باختر را منوّر کرده جنّت ابهی در قطب امکان خیمه و خرگاه زده و بهار روحانی اقالیم ربّانی را سبز و خرّم نموده آیات توحید است که در مجامع رحمانیان در ترتیلست و محامد و نعوت ربّ جلیل است که بالحان بدیع ترنیم اهل تجرید است صیت امر اللّه است که ولوله در آفاق افکنده و آوازهٴ امر جمال مبارکست که جهانگیر گشته و لرزه بارکان امکان انداخته آهنگ ملکوت ابهی بگوش مشتاقان متواصلست و بانگ طیور حدائق ملأ اعلی بآذان روحانیان متتابع متواصل ولی افسوس که غافلان در خمودت بی‌پایان و جمودت عالم امکان حجر و مدر متأثّر و آنان در خواب غفلت و فتور مدهوش و محروم و محجوب و منزجر با دیدهٴ کور این اشراق النّور فریاد برآرند و با گوش کر این نغمات طیور الملکوت نعره زنند البتّه مزکوم از مسک مشموم محرومست و علیل از مائدهٴ ربّ جلیل ممنوع

باری ای یاران بانجذابی روحانی و سنوحاتی رحمانی و قوّتی ملکوتی و نَفَسی مسیحائی و ید بیضائی کلیمی و شعله و خلّتی خلیلی و صفوتی آدمی و سفینه‌ئی نوحی و نورانیّتی محمّدی و روحانیّتی علوی و موهبتی ابهائی و رحمتی ربّانی و نیّتی سبحانی و نطقی الهی قیام بر نشر نفحات الهی و سطوع انوار ربّانی و اعلاء کلمهٴ جمال رحمانی و رفع اعلام موهبت صمدانی نمائید تا آنکه بفیوضات آسمانی عالم امکانی را نورانی نمائید و بموجب تعالیم الهیّه ترتیب و تنظیم عالم وجدانی نمائید

ای یاران دزدان در کمینند و خائنان گوشه‌نشین هیکل امر اللّه را از تیر و تیغ نادانان محافظه کنید و سراج کلمة اللّه را از اریاح بغضا حمایت و صیانت فرمائید امروز از جهتی روح حیات در سریانست و از جهتی دیگر اریاح کریههٴ نقض پیمان در هیجان این روح مصوّر است و آن موت مجسّم این نور تابانست و آن ظلمت بی‌پایان این عذب فراتست و آن ملح اجاج این حیات ابدیست و آن ممات سرمدی پس بکمال اطمینان و استقامت و ثبوت و رسوخ حصن امر اللّه را از هجوم مارقین محفوظ و مصون دارید

الیوم آنچه اعظم امور است محبّت و الفت و اتّحاد و اتّفاق و انقطاع و آزادگی و تقدیس و پاکی و جانفشانی و شادمانی احبّای الهی است اگر الفت کامله و محبّت خالصه حاصل نگردد جمیع این زحمات و مشقّات هدر رود و عاقبت کلّ قرین خسران مبین گردند مقصد از جلوهٴ حقّ و طلوع آفتاب حقیقت غلبهٴ نور محبّت اللّه است تا ظلمات شقاق و نفاق محو از آفاق گردد و وحدت روحانیّه جلوه نماید جمیع احباب حکم نفس واحد دارند و جمیع اسماء و صفات عبارت از شخص واحد چون این موهبت میسّر گردد عالم ظلمانی جهان نورانی گردد و کشور ناسوتی مرآت جلوهٴ لاهوتی شود امیدوارم که بفضل بی‌پایان و بخشش حضرت یزدان موفّق و مؤیّد گردند

ای یاران الهی ابر کثیفی که الیوم حایل و مانع درخشندگی شمس حقیقت است غمام نفس و هوی است و سحاب کبر و غرور بلها آنچه سبب بزرگواری عالم انسانیست خضوع و خشوعست و محویّت و فنا زیرا تذلّل و انکسار تاج وهّاج عبدالبهاست و محویّت و فنا و نیستی بیمنتها اکلیل جلیل این بندهٴ آستان حضرت کبریا ما باید بکلّی از وصف وجود فانی گردیم بلکه نیست و مفقود شویم تا سزاوار الطاف و عنایت خداوند بیچون گردیم هر یک غبار رهگذر جمیع احبّا شویم و خادم حقّ و هادم بنیان نفس و هوی زیرا زینت ایوان الهی باین دو بیت ربّانیست

نار عشقی برفروز و جمله هستیها بسوز

پس قدم بردار و اندر کوی عشّاقان گذار

تا نگردی فانی از وصف وجود ای مرد راه

کی چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار

ای احبّای الهی معنی یوم یغنی اللّه کلّاً من سعته این نیست که متبادر باذهانست مقصد اینست که آن کنز بی‌پایان پنهان ظاهر و عیان میگردد کلّ از آن ثروت طافحه بهره‌مند و مستغنی میشوند نه اینست که هیچ یک از احباب محتاج دیگری نه البتّه اطفال شیرخوار فقیر ثدی و پستانند و کودکان محتاج مربّیان و جوانان مستفیض از هوشمندان و هوشمندان مستحقّ ارشاد و هدایت مقرّبان البتّه باید صغیر تمکین از کبیر نماید و مبتدی پیروی منتهی فرماید و همچنین مقرّبان درگاه کبریا باید هیکل وجود را بموهبت ملکوت ابهی بیارایند تا انوار تقدیس بر جمیع آفاق بتابد

ای یاران الهی استقامت و مقاومت و پرده‌دری و کشف غطا آنچه باید و شاید عبدالبهآء مینماید ملاحظه میفرمائید که فرداً وحیداً بعون و عنایت جمال ابهی مقاومت با من علی الأرض مینماید هرچند هزار تیر جفا از هر بیوفائی پرّانست و این سینه هدف آن سهام و سنان جیوش امم و جنود ملل در نهایت هجوم و بدخواهان حضرت احدیّت در نهایت اذیّت با وجود این این عبد مهین بتأیید نور مبین در مقابل روی زمین در غایت متانت و تمکین قائم و ثابت و نابت دیگر احبّا باید ملاحظهٴ حکمت نمایند آنها نیز پرده‌دری نکنند در هر صورت اگر پردهٴ رقیقی بر کار باشد بهتر است زیرا سبب مخالطه و معاشرت و مؤانست و مکالمه است بکلّی اگر حجاب برداشته شود فصل واقع گردد و چون فصل واقع شد نشر نفحات فتور یابد زیرا کسی نزدیک نیاید تا کلمهٴ حقّ استماع کند و از این گذشته حکومت نیز در مشقّت و مشکلات افتد اعلیحضرت شهریاری فی‌الحقیقه رعیّت‌پرور فریادرس است و ترقّی‌خواه و دادگستر و جناب صدارتپناهی در نهایت خیرخواهی و رؤف و مهربان بر جمیع اهالی ولی عوام همج رعاعند و هوامّ اسیر هر خدّاع اتباع هر ناعقند و مغلوب هر ریح عابق فزع عمومی کنند و فتنه‌جوئی در هر بر و بومی حکومت با وجود کمال عدالت عاجز از حمایت گردد مثلاً واضحاً بامضای بهائیان تلغراف بحکومت نمودن یا به پاریس و امریک رأساً تلغرافیّاً مخابره کردن موافق حکمت نه

ای احبّای الهی تا توانید از عقل و حکمت تجاوز ننمائید زیرا حکمت میزان امر اللّه است یعنی در محلّی که تشهیر لزوم قطعی نباشد البتّه قدری ملاحظه بهتر است قدری تفکّر فرمائید که چگونه سطوت امر اللّه آفاق را حیران نمود و شمس حقیقت از افق بلا اشراق فرمود با وجود این همه سفک دماء مطهّر و بلایای متتابعه و تعرّضات مترادفه در ازمنهٴ سالفه شمع رحمانی روشنتر شد و پرتو شمس حقیقت شدیدتر گردید آهنگ نهنگ الهی را خروش بیشتر شد و دریای عطای ربّانی را موج و جوش عظیمتر گشت و عنقریب ملاحظه خواهید نمود که فوج‌فوج مانند موج بساحل نجات توجّه نمایند ای احبّای الهی هر دم بدعای بقای اعلیحضرت تاجداری زبان بگشائید و بخدمتش بشتابید و در تبعیّت خلوص نیّت و صداقت و اطاعت و انقیاد ظاهر فرمائید و علیکم التّحیّة و الثّنآء ع ع

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳، ساعت ۱:۰۰ بعد از ظهر